

The role of the Economy in China's Soft Foreign Policy in the Developing Regions

Mehdi Amiri¹

DOI: [10.48308/piaj.2024.235650.1532](https://doi.org/10.48308/piaj.2024.235650.1532) Received: 2024/5/11 Accepted: 2024/10/19

Original Article

Extended abstract

Introduction: China has drawn itself as a new-developed country in the world, and now it is seeking to use this image to strengthen Chinese soft power, especially in developing regions. China, as a newly developed country, is well aware of its global and regional economic advantage, especially in the developing world. Despite its rich historical and cultural background, China's software foreign policy is primarily based on economic power. Beijing's software policy towards developing countries is aimed at attracting them to the Chinese developmental model according to the Beijing Consensus. The grand "Belt and Road Initiative" (BRI) is based on geo-economic imperatives and aims to reassure others that China's rise is peaceful and beneficial for all. Achieving this assurance is pursued less through cultural tools and resources and more through economically benefiting developing regions with the goal of attracting them. According to conventional western model of soft power, China is facing the challenges for globalizing its culture. Therefore, utilizing its economic comparative advantage has become central to Beijing's foreign policy.

Methods: The aim of the article is to analyze the position of the economy in China's soft foreign policy in developing regions, which requires understanding the theoretical conceptual-analytical framework of soft power and its results from China's point of view. The research method is descriptive-analytical, explaining the connection between economy and soft power as the core of China's soft power foreign policy. Therefore, the article seeks to answer the question: what is the place of the economy in China's software foreign policy towards the developing regions? The hypothesis is that China's soft-

1. Assistant Professor, Political Studies Office, Islamic Parliament Research Center of The Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran. m.amiri@mrc.ir



ware policy in developing regions is mainly aimed at creating “spheres of influence” for economic and political goals through (indirect) economic and then cultural soft power.

Results and Discussion: Chinese leaders aim to present a softer image of themselves by introducing Chinese culture, which they advance through economic tools. The year 2017 marked a significant turning point; the 19th National Congress of the Communist Party of China incorporated Xi Jinping’s thoughts on “Socialism with Chinese Characteristics for a New Era” into the Party’s constitution, positioning political goals alongside economic goals in Beijing’s foreign policy. Studying the resolutions issued by the Congress shows that the China still emphasizes the use of economic tools to advance foreign policy goals.

Conclusion: The findings reveal that China is a key trade and investment partner, one of the largest donors in Africa, Asia, and Latin America, a “development model” for the developing world, and one of the most significant providers of scholarships in these regions. China’s soft power, according to the “economy-oriented software” policy, mainly has an economic character. While China is widely seen as an economic partner around the developing world, this does not mean the spread of Chinese values, culture and ideas. China’s attractiveness in these areas is basically economic, not necessarily cultural according to the western concept of soft power. In this sense, China’s soft power has distinctive features that give it a Chinese character and distinguish it from other models common in Western countries. The result indicates that the attraction of China in target regions is less historical-cultural, rather industrial, scientific and technological power. As long as the economic power of China is progressive, the its soft power will also be strengthened. However, the evidence shows that despite China’s prioritization of Southeast Asia and Central Asia in its software foreign policy, it has achieved the most interests (political and economic) in Africa and Latin America.

Keywords: China, Soft Power, Software, Economy, Developing Regions.

Citation: Amiri, Mehdi. 2024. The role of the Economy in China’s Soft Foreign Policy in the Developing Regions , Political and International Approaches, Autumn, Vol 16, No 3, PP 49-72.



جایگاه اقتصاد در سیاست خارجی نرم‌افزاری چین در مناطق در حال توسعه

مهدی امیری^۱

DOI: [10.48308/piaj.2024.235650.1532](https://doi.org/10.48308/piaj.2024.235650.1532)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۲۸

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: چین تصویر کشوری تازه توسعه‌یافته از خود در جهان ترسیم کرده و به دنبال بهره‌گیری از این چهره به منظور تقویت قدرت نرم خود به‌ویژه در مناطق در حال توسعه‌ایست که سودای توسعه‌یافتگی در سر می‌پروراند. چین به‌درستی به مزیت اقتصادی خود در سطح جهان و مناطق در حال توسعه آگاه است. این کشور با وجود برخورداری از سابقه باعظمت تاریخی و فرهنگی، سیاست خارجی نرم‌افزارگرایانه خود را بر قدرت اقتصادی نهاده است. سیاست نرم‌افزاری پکن در برابر کشورهای در حال توسعه معطوف به جذب آنها به الگوی چینی توسعه، مطابق اجماع پکن است. پروژه کلان «ابتکار کمربند-راه» بر ضرورت‌های ژئواکونومیکی مبتنی و همواره به دنبال اطمینان بخشی است که توسعه و صعود چین مسالمت‌آمیز بوده و واجد منافع برای سایرین نیز خواهد بود. نیل به این اطمینان بیش از آن که با اتکاء به ابزارها و منابع فرهنگی در دست‌ورکار پکن قرار گرفته باشد، به متفلسف سازی اقتصادی مناطق در حال توسعه با هدف جذب آنها می‌انجامد. اگر الگوی متعارف قدرت نرم برآمده از خاستگاه نظری غرب مبنا قرار گیرد، چین با چالش‌های جهان‌شمول‌سازی فرهنگ خود مواجه است. از این روست که استفاده از مزیت نسبی اقتصادی در دست‌ورکار سیاست خارجی پکن قرار می‌گیرد.

روش‌ها: هدف مقاله آن است تا جایگاه اقتصاد را در سیاست خارجی نرم‌افزاری چین در مناطق در حال توسعه تحلیل کند که مستلزم شناخت چارچوب مفهومی-نظری قدرت نرم و نتایج آن است. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است و براساس پیوند اقتصاد-قدرت نرم به‌عنوان کانون سیاست خارجی نرم‌افزاری چین تبیین می‌شود. بنابراین، نوشتار پیش رو در پی پاسخ بدین پرسش است که ابزار اقتصاد چه جایگاهی در سیاست نرم‌افزاری چین در قبال مناطق در حال توسعه دارد؟ فرضیه آن است که این سیاست معطوف به ایجاد «حوزه‌های نفوذ» با اهداف اقتصادی و سیاسی از طریق قدرت نرم (غیرمستقیم) اقتصادی و سپس فرهنگی است.

یافته‌ها: رهبران چین می‌خواهند از طریق معرفی فرهنگ چینی تصویری نرم‌تر از خود ارائه نمایند و آن را

۱. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دفتر مطالعات سیاسی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ایران. m.amiri@mrc.ir



با اتکاء به ابزارهای اقتصادی پیش می‌برند. سال ۲۰۱۷ نقطه عطف مهمی تلقی می‌شود. نوزدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین، تفکرات شی جین‌پینگ با نام «سوسیالیسم با خصائل چینی در عصر جدید» را در اساسنامه حزب درج کرد و به‌جانبی اهداف سیاسی در کنار اهداف اقتصادی در سیاست‌خارجی پکن مبادرت ورزید. به‌گواه اسناد، چینی‌ها همچنان بر ابزارهای اقتصادی جهت پیشبرد اهداف سیاست‌خارجی تأکید می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهند که چین از شرکای اصلی تجاری و سرمایه‌گذاری، از بزرگ‌ترین کمک‌کنندگان در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، «مدل توسعه» برای جهان در حال توسعه و از مهم‌ترین اعطاءکنندگان بورسیه تحصیلی در این مناطق است. نتیجه آنکه قدرت نرم چین خصلتی اقتصادی دارد. در حالی که چین شریک اقتصادی جهان در حال توسعه دیده می‌شود، این به‌معنای گسترش ارزش‌ها، فرهنگ و ایده‌های چینی نیست. توان جاذبه‌آفرینی چین در این مناطق اقتصادی است نه اینکه ضرورتاً فرهنگی باشد. در این معنا قدرت نرم چین از ویژگی‌های متمایزی برخوردار است که بدان خصلت چینی می‌بخشد و آن را از مدل غربی متمایز می‌سازد.

نتیجه‌گیری: نتیجه حاصله دلالت بر آن دارد که جاذبه چین در مناطق هدف، بیش از آن که برآمده از غنای تاریخی-فرهنگی این کشور باشد، برخاسته از قدرت صنعتی، علمی و فناوری آن است. تا زمانی که قدرت اقتصادی چین پیش‌رونده باشد، قدرت نرم این کشور نیز تقویت می‌گردد. با وجود این، شواهد نشان می‌دهند به‌رغم اولویت‌دهی چین به آسیای جنوب‌شرقی و آسیای مرکزی در سیاست‌خارجی نرم‌افزارگرا، بیشترین دستاورد سیاسی و اقتصادی در آفریقا و آمریکای لاتین نصیبش شده است.

کلیدواژه‌ها: چین، قدرت نرم، نرم‌افزارگرایی، اقتصاد، مناطق در حال توسعه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناددهی: امیری، مهدی. ۱۴۰۳. جایگاه اقتصاد در سیاست‌خارجی نرم‌افزاری چین در مناطق در حال توسعه، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، پاییز، سال ۱۶، شماره ۳، ۷۲-۴۹.



۱. مقدمه

قدرت نرم^۱ از مفاهیم نوپدید سیاست‌خارجی و بین‌المللی است که توجه نخبگان را به‌خود مشغول داشته است. تلاش نظریه‌پردازانی چون جوزف‌نای برای صورت‌بندی نظری این مفهوم را می‌باید واکنشی در برابر ماهیت تغییر یافته قدرت در جهان دانست. کشورها نیز به تناسب مزیت‌های نسبی خود درصدد کاربست قدرت نرم در سیاست‌خارجی برآمده‌اند. تأکید اولیه نظریه‌پردازان بر فرهنگ و ارزش‌های سیاسی به‌عنوان منابع سیاست‌خارجی نرم‌افزارگرا بود. رواج این مفهوم و اقبال کشورهای مختلف از جمله چین نظریه‌پردازان را به تعدیل چارچوب نظری واداشت تا توانمندی اقتصادی را به منابع قدرت نرم بیفزایند.

چین که مسیر توسعه را برق‌آسا پیموده و در قامت کشوری تازه توسعه یافته ظهور کرده، به‌درستی به مزیت اقتصادی خود نه‌تنها در سطح جهان بلکه در سطح مناطق به‌ویژه مناطق در حال توسعه آگاه است. اگرچه این کشور به سابقه باعظمت تاریخی و فرهنگی خود می‌بالد، اما تکیه سیاست‌خارجی نرم‌افزارگرایانه‌آ را بر قدرت اقتصادی نهاده و سعی خویش را مصروف جذب کشورهای در حال توسعه به الگوی چینی توسعه مطابق اجماع پکن کرده است. چین برای اجرای پروژه کلان «ابتکار کمربند-راه»^۲ به مناطق مختلف به‌دیده ژئواکونومیک می‌نگرد و از این رو، از سال‌ها پیش درصدد اطمینان‌بخشی است که توسعه و صعود چین مسالمت‌آمیز بوده و انتفاع سایرین را در پی خواهد داشت. چینی‌ها برای اطمینان‌بخشی به ابزارها و منابع فرهنگی تکیه نکرده، بلکه متنوع‌سازی اقتصادی مناطق در حال توسعه را برای جذب آنها در دستورکار نهادند تا برآورنده منافع اقتصادی و اهداف سیاسی باشد.

۲. پیشینه پژوهش

مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد که منابع مرتبط با موضوع به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. دسته اول، منابعی که به مبانی، منابع و ابزارهای قدرت نرم چین در مقیاس جهانی پرداخته‌اند. در این زمینه می‌توان به مقالات نای؛ «ظهور قدرت نرم چین» (۲۰۰۵) و «چرا چین در قدرت نرم ضعیف است؟» (۲۰۱۲)، چنگ‌چنگ؛ تحت عنوان «منطق نهفته در پس‌آژانس کمک‌های خارجی چین» (۲۰۱۹)، گلاسر؛ «قدرت نرم با خصائل چینی: مناظره پیش‌رو» (۲۰۰۹)، یان ژونگ‌هوانگ و شنگ‌دینگ؛ «بدن پنهان اژدها: تحلیل قدرت نرم چین» (۲۰۰۶)، آلن هانتز؛ «قدرت نرم: چین در عرصه جهانی» (۲۰۰۹)، وودناو؛ «مفهوم قدرت نرم در گفتمان استراتژیک چین» (۲۰۰۸)، پارادایس؛ «چین و هماهنگی بین‌المللی: نقش نهادهای کنفوسیوس در تقویت قدرت نرم پکن» (۲۰۰۹) و پورا احمدی؛ «اقتصاد سیاسی سیاست‌خارجی چین در عصر جهانی شدن اقتصاد» (۱۳۹۶) اشاره داشت. نویسندگان با برشمردن ظرفیت‌های جهانی پکن از قدرت نرم چینی سخن می‌رانند و با اشاره به محدودیت‌ها آنرا به موضوعی معماگونه بدل می‌سازند. نویسندگان در آمیختن قدرت نرم با قدرت اقتصادی به مناظره برسر تهدید ناشی از صعود چین می‌پردازند. نویسندگان به نگاه تردیدآمیز کشورهای هدف به چین پرداخته و آنرا مانع قدرت نرم پکن می‌دانند.

1. Soft Power
2. Soft Foreign Policy
3. Belt & Road Initiative

دسته دوم، منابعی هستند که به کاربست قدرت نرم در سیاست خارجی چین در مناطق در حال توسعه پرداخته‌اند:

قدرت نرم چین در آسیای جنوب شرقی: «متحدان برنده «قدرت نرم» چین در آسیا» به قلم مایدانس (۲۰۰۷)، «قدرت نرم چین در آسیای جنوب شرقی» نوشته لو (۲۰۱۳) و «بازگشت قدرت نرم چین در آسیای جنوب شرقی» به قلم لان‌هی (۲۰۱۹) قابل توجه می‌باشند. نویسندگان ضمن پرداختن به زمینه‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی و فرهنگی نفوذ چین در آسیای جنوب شرقی به چالش‌های تاریخی اشاره کرده و آنرا مهم‌ترین مانع بسط قدرت نرم منطقه‌ای چین می‌دانند.

قدرت نرم چین در آسیای مرکزی: کریم بائوف؛ «عوامل قدرت نرم چین در آسیای مرکزی» (۲۰۲۰)، گوگردی؛ «نفوذ فزاینده چین در آسیای مرکزی» (۲۰۲۳)، جولی‌یو-ون‌چن؛ «تصویر متحول چین در آسیای مرکزی: تمرین قدرت نرم و سخت» (۲۰۲۳)، ایرجنگیورو؛ «ابزارهای قدرت نرم: ارزیابی قدرت نرم چین و چین‌هراسی در آسیای مرکزی» (۲۰۲۱)، بردی‌اف؛ «اهمیت آسیای مرکزی در سیاست خارجی چین و ابزارهای قدرت نرم پکن» (۲۰۲۱) و دادپرور و عزیززی؛ «نفوذ کنفوسیوسی: جایگاه قدرت نرم در استراتژی چین در قبال آسیای مرکزی» (۲۰۱۹). نویسندگان به اهمیت ژئواکونومیکی، ژئوپلیتیکی منطقه برای چینی‌ها پرداخته، جایگاه آنرا با «کمر بند-راه» مرتبط ساخته‌اند، با وجود این عوامل تاریخی، فرهنگی را زمینه‌ساز چین‌هراسی در منطقه انگاشته‌اند.

نویسندگانی که به قدرت نرم چین در خاورمیانه پرداخته‌اند: سان در «حضور نظامی نرم چین در خاورمیانه» (۲۰۱۵)، رخت در «گسترش جای‌پای رسانه‌های چین در خلیج [فارس] (۲۰۱۷)، عثمان در «قدرت نرم چین: ارزیابی تصویرسازی مثبت در خاورمیانه» (۲۰۱۷)، لیو در «مشارکت اقتصادی چین در خاورمیانه و شمال آفریقا» (۲۰۱۴) و منگه «چین در حال ظهور در خاورمیانه» (۲۰۱۷). نویسندگان به جایگاه نوپدید فزاینده خاورمیانه در سیاست خارجی چین پرداخته‌اند. آنها اهمیت خاورمیانه برای پکن را از منظر امنیت انرژی و تجارت نگرسته‌اند و برخی نیز منطقه را جولانگاه رقابت ژئوپلیتیکی چین-آمریکا تلقی کرده‌اند.

قدرت نرم چین در آمریکای لاتین: سولیوان؛ «مشارکت چین در آمریکای لاتین و کارائیب» (۲۰۱۹)، ماگیوولی؛ «کمک چین به آمریکای لاتین و کارائیب: تحول و چشم‌اندازها» (۲۰۱۷) و الیس؛ «قدرت نرم چینی در آمریکای لاتین» (۲۰۱۱). نویسندگان به حجم فزاینده تجارت و سرمایه‌گذاری چین در آمریکای لاتین و کمک‌های اقتصادی به منطقه اشاره و آنرا شاخص کاربست اقتصادی قدرت نرم پکن دانسته‌اند.

قدرت نرم چین در آفریقا: ناگائو «سرمایه‌گذاری قدرت نرم چین در کشورهای آفریقایی» (۲۰۱۶)، هوآنگ «مطالعه قدرت نرم: حضور چین در آفریقا» (۲۰۱۸)، هلگه‌رونینگ «چین در آفریقا چقدر قدرت نرم دارد؟» (۲۰۱۴) و حسینی «مؤلفه‌های قدرت نرم چین در آفریقا» (۱۳۹۷). نویسندگان به حضور اقتصادی چین در آفریقا اشاره داشته‌اند که از رهگذر آن تصویر جدیدی از این کشور در منطقه ترسیم گشته است. منابع مورد اشاره هر کدام به یکی از مناطق در حال توسعه به‌عنوان اهداف قدرت نرم چین پرداخته‌اند و بخشی از مقاله حاضر تلقی می‌گردند. از این رهگذر ضمن شناخت نرم‌افزارگرایی چینی در مناطق

موردنظر، امکان شناخت جایگاه هریک از مناطق در این سیاست و نتایج آن فراهم می‌گردد که به مقایسه دستاوردها به‌عنوان یافته پژوهش می‌انجامد. مسأله اصلی نوشتار پیش‌رو آن است که اقتصاد چه جایگاهی در سیاست خارجی نرم‌افزاری چین در قبال مناطق در حال توسعه دارد؟ فرضیه آن است که سیاست نرم‌افزاری چین در مناطق در حال توسعه معطوف به ایجاد «حوزه‌های نفوذ» با اهداف سیاسی و اقتصادی از طریق منابع نرم اقتصادی و سپس فرهنگی است. هدف آن است تا جایگاه اقتصاد در سیاست خارجی نرم‌افزاری چین در مناطق در حال توسعه در چارچوب مفهومی و تحلیلی-نظری قدرت نرم و نتایج آن تحلیل شود. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است و براساس پیوند اقتصاد-قدرت نرم، نحوه عملکرد نرم‌افزارگرایی در سیاست منطقه‌ای چین تبیین می‌شود.

۳. مبانی مفهومی و نظری

سیاست خارجی نرم‌افزاری بر بنیان قدرت نرم و در معنای کاربست منابع قدرت نرم در روابط بین‌المللی عبارت از توان جذب بازیگران و منطبق‌سازی سیاست‌های آنها از طریق ترغیب، ارتباطات، گفتگو، تعیین جهت‌گیری‌ها و به‌اشتراک‌گذاری منابع است. سیاست نرم در این معنا از خصلت غیرالزام‌آور برخوردار است (Chan, 2008: 3). به بیان دیگر، بنیان سیاست نرم‌افزاری کشورها را منابع و ابزارهای «قدرت نرم» تشکیل می‌دهد و سیاست خارجی نرم‌افزاری عبارت از آن نوع سیاست خارجی است که مبتنی بر قدرت نرم و کاربست منابع آن به‌منظور دستیابی به اهداف ملی بدون استفاده از قدرت نظامی است (Chee-Beng, 2024: 15).

طبق نظر اولیه نای منابع قدرت نرم عبارت از فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های خارجی و داخلی است (سلیمانی‌پور لک، ۱۳۹۰: ۹۰). نای در آثار بعدی اذعان می‌دارد که اقتصاد می‌تواند هم رفتار نرم و هم رفتار سخت تولید کند. از نظر او، قدرت نرم در مفهوم گسترده مترادف با قدرت غیرنظامی، شامل قدرت فرهنگی و اقتصادی و در مفهوم محدود شامل قدرت فرهنگی است. او به دلیل اثرگذاری اقتصاد در جذب و اقناع دیگران، دیدگاه خود را تعدیل کرده، قدرت اقتصادی را منبع قدرت نرم می‌داند (Nye, 2008: ۱۳۶). نای گرایش‌های اقتصادی برای قدرت نرم در نظر گرفته است؛ وابستگی متقابل، بازیگران فراملی و گسترش فناوری. این عوامل را می‌توان برای اعمال قدرت در جهان به‌جای استفاده از روش‌های سنتی مورد استفاده قرار داد (Irfan, 2024).

قدرت اقتصادی به مستقیم/غیرمستقیم تقسیم می‌شود. قدرت اقتصادی مستقیم به استفاده دولت‌ها از ابزارهای تشویق و تنبیه اقتصادی و قدرت اقتصادی غیرمستقیم به رشد فزاینده وابستگی متقابل اقتصاد سیاسی جهانی و حضور گسترده‌تر اقتصاد در روابط کشورها برمی‌گردد. به‌موجب این قدرت دولت‌ها می‌توانند از طریق نفوذ اقتصادی به اهداف ملی دست یابند (خادمی، ۱۳۹۴: ۱۲۹-۱۴۱). این دو نوع قدرت مستقیم/غیرمستقیم اقتصادی را می‌توان قدرت سخت اقتصادی و قدرت نرم اقتصادی نامید (واتانابه، ۱۳۹۰).

شاخص‌های قدرت نرم اقتصادی عبارتند از توسعه اقتصادی، جاذبه فرهنگ و ایدئولوژی اقتصادی، دیپلماسی اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی داخلی و خارجی، نهادگرایی اقتصادی، ارتباطات اقتصادی، روابط تجاری، الگوی اقتصادی موفق، تولیدات فرهنگی، کمک‌های اقتصادی (واتانابه، ۱۳۹۰: ۵۵-۹۰).

کمک‌های توسعه‌ای، موافقتنامه تجارت آزاد، نفوذ اقتصادی، کمک‌های بشردوستانه، اقتصاد رقابتی و فرصت‌های کسب‌وکار (Whitney, 2009).

شکل‌گیری قدرت نرم اقتصادی براساس تعامل منابع و اهداف در دو سطح مطرح است: منابع اقتصادی برای اهداف نرم به کار می‌رود و اهداف اقتصادی با منابع نرم تحقق می‌یابد. در قدرت نرم اقتصادی چنانچه تنها اهداف یا منابع نرم از جنس اقتصادی باشند، برای شکل‌گیری آن کفایت می‌کند؛ یعنی در قدرت نرم اقتصادی حداقل یکی از این دو (منابع نرم و یا اهداف) لزوماً اقتصادی است. انواع قدرت نرم اقتصادی عبارتند از:

- تحقق اهداف اقتصادی از طریق منابع نرم اقتصادی (قدرت نرم اقتصادی محض)
- تحقق اهداف اقتصادی از طریق منابع نرم فرهنگی یا سیاسی (قدرت نرم اقتصادی غیرمحض)
- تحقق اهداف فرهنگی یا سیاسی از طریق منابع نرم اقتصادی (قدرت نرم اقتصادی غیرمحض) (سیف، ۱۳۹۰: ۴۱).

اهداف قدرت نرم اقتصادی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- تغییر رفتار اقتصادی در جهت متقاعدسازی، قانع‌سازی، جلب‌نظر، تغییر ذائقه‌ها، تغییر رفتارها
 - به‌کارگیری بیشتر وجوه نرم در اقتصاد و عدم استفاده از اجبار و زور در اهداف اقتصادی
 - ایجاد جذابیت‌های اقتصادی (سیف، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۵).
- قدرت نرم به تصویرسازی مثبت، رضایتمندی و اعتبار می‌انجامد و موجب می‌شود اراده و رفتار مخاطب بدون به‌کارگیری قدرت سخت، از قدرت نرم تمکین کند. نتیجه آنکه سیاست مبتنی بر قدرت نرم به ایجاد حوزه‌های نفوذ^۱ برای کشور اعمال‌کننده قدرت می‌انجامد.

۴. قدرت نرم با خصائل چینی

بحران مالی آسیای شرقی در ۱۹۹۷ و تصمیم به‌موقع پکن برای تثبیت ارزش یوان که چهره کشوری باثبات از چین در منطقه ترسیم کرد، به «لحظه ظهور قدرت نرم چین» شکل داد (Glosny, 2006: 28). در این برهه پکن نقصان خود در بهره‌گیری از قدرت نرم را احساس کرد و اتخاذ رویکرد کمتر مواجهه‌جویانه بین‌المللی را در دستورکار نهاد. تلاش چین برای اثبات وجهه خود به‌عنوان رهبر جهان در حال توسعه تا امروز ادامه دارد (Kurlantzick, 2006: 13). نای به «ظهور قدرت نرم چین و افول قدرت نرم امریکا» اشاره می‌کند (Nye, 2005).

چین از قدرت نرم به‌عنوان رویکرد استراتژیک برای افزایش نفوذ جهانی و دستیابی به منافع ملی استفاده می‌کند. ابعاد استراتژیک به کار گرفته شده توسط چین شامل دیپلماسی فرهنگی، مشارکت‌های اقتصادی استراتژیک، تعاملات سیاسی و دیپلماتیک و پیشرفت‌های تکنولوژیکی است (Irfan, 2024). شی‌جین‌پینگ، در سال ۲۰۱۴ گفت: «ما باید قدرت نرم چین را ارتقاء بخشیم، روایت خوبی از چین ارائه و پیام چین را بهتر منتقل کنیم» (China Daily, 2018).

سیاست قدرت نرم چین از یک منظر، «قدرت تهاجمی افسون‌گر» و از منظر دیگری، «واکنش برای مقابله با برداشت تهدیدگری چین» است. چینی‌ها با اشاعه «ارزش‌های سوسیالیستی به‌عنوان بدیل ارزش‌های غربی» در صدد نزاع با غرب نیستند، بلکه به دنبال آینده‌ای هستند که به‌واسطه توسعه به نقش‌آفرینی جهانی دست‌یابند. پکن به دنبال ارائه تصویری نرم‌تر از خود است و آنرا با اتکاء به ابزارهای اقتصادی پیش می‌برد (Glaser, 2009: 10). سیاست خارجی چین محصول اقتصادسیاسی جهانی است (پوراحمدی، ۱۳۹۶: ۲۸) که آنرا به کار بست منابع اقتصادی قدرت و ایجاد حوزه‌های نفوذ در مناطق در حال توسعه برمی‌انگیزاند. حوزه‌هایی که منافع چین در آنها از اهمیت بالایی برخوردار بوده و کسب حقوق و امتیازات انحصاری در این مناطق دنبال می‌شود (Szczepanski, 2019).

۵. سیاست نرم‌افزاری چین در برابر مناطق در حال توسعه

۱.۵. روابط نرم‌افزاری چین با آسیای جنوب شرقی

تا اواخر دهه ۱۹۹۰ سیاست خارجی چین در آسیای جنوب شرقی بر قدرت سخت تأکید می‌ورزید. کشورهای منطقه رفتار آنرا تهاجمی پنداشته، اتحاد با واشنگتن را برگزیدند. نتایج سخت‌افزارگرایی، پکن را به بازنگری واداشت و بحران اقتصادی ۱۹۹۷ فرصت را فراهم ساخت. پیشنهاد «همکاری و کمک» به کشورهای بحران‌زده منطقه تأثیر بسزایی در بهبود چهره آن داشت (Shambaugh, 2015: 99-107). به دنبال پاندمی کووید-۱۹ چین کوشید از طریق «دیپلماسی واکسن» خود را مشکل‌گشای منطقه معرفی کند. پکن بیش از یک میلیارد دوز واکسن در سپتامبر ۲۰۲۱ اهداء کرد یا فروخت. اگرچه واکسن چینی در آسیای جنوب شرقی نسبت به واکسن وادراتی از اروپا و آمریکا کمتر بود، اما چین توزیع منطقه‌ای آنرا گسترش داد (Caro, 2022: 17).

مساعدت چین سبب شد کشورهای منطقه به‌دیده تحسین به چین بنگرند و آنرا «الگوی توسعه‌ای» بدانند که بازار آزاد و جامعه سیاسی غیرلیبرال (غیرمداخله‌جو) را ترکیب می‌کند (نریمان، ۱۳۹۷: ۱۸۱). چین علاوه بر کمک‌های غیرتوسعه‌ای، وام‌های کم‌بهره و موافقتنامه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری، از طریق رژیم‌سازی همچون «آسه‌آن+۳؛ منطقه آزاد تجاری چین-آسه‌آن؛ بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی و ابتکار کمربند-راه» به دنبال تثبیت جایگاه منطقه‌ای خود است (سازمند، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

قدرت نرم چین در حوزه‌های گردشگری، مبادلات آموزشی و ارتباط با دیاسپورای چینی در منطقه معطوف به منافع اقتصادی و توسعه هنجارها و ارزش‌های مشترک است. چین به گسترش رسانه‌های بین‌المللی در منطقه (خبرگزاری شینهوا، انتشار بین‌المللی روزنامه‌های چینی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای) پرداخته است. غذا، خط، طب سوزنی، سینما، گیاهان دارویی و مد چینی شاخص‌های فرهنگ چینی در آسیای جنوب شرقی هستند (Cheow, 2005: 336). پکن می‌کوشد براساس اشتراکات فرهنگی از دیپلماسی عمومی برای تصویرسازی استفاده کرده و فرهنگ چینی را در منطقه بگستراند (نریمان، ۱۳۹۷: ۱۸۲).

در سال ۲۰۲۳ اقدامات نرم‌افزاری چین در آسیای جنوب شرقی بیش از همه در مالزی با ۸۳ درصد و اندونزی با ۷۵ درصد دیدگاه مثبت نسبت به پکن مؤثر بوده است. در مجموع ۳۶ درصد آسیای شرقی نفوذ جهانی چین را مثبت ارزیابی می‌کنند که نسبت به سال ۲۰۰۳ که حدود ۱۵ درصد بود، جهش قابل توجهی را نشان می‌دهد (Silver et.al, 2023). قدرت نرم اقتصادی در آسیای جنوب شرقی بر تأثیرگذاری چین می‌افزاید، زیرا این کشور قدرت خود را از طریق دیپلماسی، «مدل‌سازی توسعه» و «ارزش‌های مشترک آسیایی» اعمال می‌کند. به علاوه، دیاسپورای چینی نقش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهمی در کشورهای آسیای جنوب شرقی دارد (Lum, 2013)، بدون اینکه به دولت وابسته باشد. استراتژی نرم‌افزاری چین از حمایت دیاسپورای چینی برای ارتباط با تشکیلات محلی و همکاری در پروژه‌های اقتصادی محلی برخوردار است. دیاسپورای تجاری چینی با نقش آفرینی منطقه‌ای یکی از منابع قدرت نرم چین محسوب می‌شود (Chee-Beng, 2024: 24).

افزون‌براین، دانشگاه‌های چینی در ارتقای قدرت نرم منطقه‌ای آن سهیم‌اند. حسن شهرت و جاذبه کیفیت آموزش این دانشگاه‌ها در انتخاب دانشجویان خارجی مؤثرتر از زبان، تاریخ و فرهنگ چینی است. ۷۰٫۰۰۰ دانشجویان از کشورهای آسه‌آن در چین تحصیل می‌کنند که دیدگاه مثبتی به کشور محل تحصیل دارند (He, 2019). بیشترین دانشجویان از تایلند با ۲۹٫۰۰۰، ویتنام با بیش از ۱۱٫۰۰۰، مالزی با ۱۰٫۰۰۰، سنگاپور با ۵٫۰۰۰ و کامبوج با ۴٫۰۰۰ است. بیشترین درخواست برای بورسیه دانشگاه‌های چینی توسط تایلندی‌ها با رقم ۲۰٫۰۰۰ ثبت شده است (Caro, 2022: 21-25). افزون‌براین، ۳۳ مؤسسه کنفوسیوس و ۳۵ کلاس کنفوسیوس در اعضای آسه‌آن که بیان‌گر محبوبیت آموزش چینی در این کشورها با تأمین بودجه آن توسط دولت چین است (Chee-Beng, 2024: 19-20).

چین به موازات فرصت‌های اقتصادی برای کشورهای منطقه موجد نگرانی‌های نظامی و اقتصادی نیز می‌باشد. ۷۶ درصد ژاپنی‌ها، ۶۶ درصد تایوانی‌ها، ۶۴ درصد کره جنوبی‌ها و ۴۸ درصد هنگ‌کنگی‌ها چین را تهدید اصلی می‌پندارند (Silver: 2023). پکن کوشیده با کمک‌رسانی، تجارت و سرمایه‌گذاری خود را بازیگری مسئول بنمایاند و از نگرانی همسایگان بکاهد. با وجود این، طبق برآوردها چین همچنان «پیشبرد توان اقتصادی و بهره‌گیری نرم‌افزاری از آن» را به منظور تعدیل نفوذ آمریکا در دستورکار منطقه‌ای خواهد داشت (Rogozhina, 2019). اهمیت این رقابت از آن جاست که چین خود را ناگزیر از شکل‌دهی به منافع، ترجیحات و رفتارهای شرکای منطقه‌ای می‌داند و این ممکن نمی‌گردد جز از طریق اعتماد و جاذبه بدون اجبار (Dinh, 2024: 300).

۵.۲. روابط نرم‌افزاری چین با آسیای مرکزی

اهمیت ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی به عنوان پیوندگاه اروپا، آسیا و خاورمیانه، آن را در کانون ملاحظات استراتژیک چین قرار می‌دهد تا به دنبال گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی و نظم‌سازی منطقه‌ای برآید. علاوه بر عوامل اقتصادی و ژئوپلیتیکی، روابط فرهنگی چین-آسیای مرکزی در ارتقاء درک متقابل بسیار مهم است (Laowattanabhongse, 204: 3519). افزون‌براین، بسیاری از تحلیل‌گران به پروژه چین برای بهره‌برداری از

موقعیت آسیای مرکزی در جهت اجرایی‌سازی ابتکار کمربند-راه از منظر قدرت نرم می‌نگرند. این ابتکار با تعریف نای از قدرت نرم مطابقت دارد، چراکه کاملاً عاری از اجبار است و به تصویرسازی مطلوب از چین یاری می‌رساند (Aydin, 2018: 63).

عطف‌توجه چین به آسیای مرکزی هم‌زمان با اهمیت‌یابی راهبردی و اقتصادی منطقه بود که دیپلماسی عمومی و کمک‌های اقتصادی را در دستورکار نهاد. پکن علاوه بر ایجاد «خانه‌های تجاری» در آسیای مرکزی (نیرمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۱) قدرت نرم را بر مبنای تبادلات فرهنگی، آموزش زبان چینی از طریق مؤسسه‌های کنفوسیوس و آموزش عالی به کار گرفته تا تصویر خود را بهبود بخشد (عزیزی، ۱۳۹۳: ۱۰۵). نفوذ فزاینده قدرت نرم چین در آسیای مرکزی در سال‌های اخیر محصول ترویج گسترده زبان و فرهنگ چینی است. دولت چین به‌طور فعال ساخت مؤسسه کنفوسیوس را به‌عنوان اقدام استراتژیک برای جلب مخاطبان بین‌المللی و افزایش جذابیت جهانی آن تبلیغ کرده و در این راستا از سال ۲۰۰۴، تعداد ۱۳ مؤسسه کنفوسیوس و ۲۴ کلاس درس کنفوسیوس در آسیای مرکزی ایجاد کرده است (Laowattanabhongse, 2024: 3518). طی دیدار رئیس‌جمهور چین از ازبکستان در ژوئن ۲۰۰۴، توافق‌نامه افتتاح مؤسسه کنفوسیوس در تاشکند امضاء شد. مؤسسه کنفوسیوس قزاقستان در ۲۰۰۷ و قرقیزستان در ۲۰۰۹ افتتاح شد (Zhiqun, 2013: 126). شمار دانشجویان و دانش‌آموزان در حال تحصیل در این مؤسسه‌ها در آسیای مرکزی در سال ۲۰۱۳ به ۲۴ هزار نفر رسید که نسبت به سال قبل، ۳۳/۳ درصد افزایش داشت. دانش‌آموختگان مؤسسات کنفوسیوس پس از فارغ‌التحصیلی روانه چین می‌شوند و برخی به کشور خود بازمی‌گردند. سالیانه حدود ۱۰۰ دانش‌آموخته زبان چینی از قرقیزستان راهی چین می‌شوند و چین سالانه از ۵۰ دانشجوی قرقیز با بورسیه تحصیل یک‌ساله دعوت به عمل می‌آورد (عزیزی، ۱۳۹۳: ۱۰۱). اگرچه توسعه مؤسسات کنفوسیوس به چهار کشور فوق محدود بوده، اما چینی‌ها برای تبادل فرهنگی با سایرین نیز کوشیده‌اند. در دسامبر ۲۰۰۹، هوجین تائو در سفری منطقه‌ای اعلام کرد تعداد دانشجویان ترکمن بورسیه چین را سالیانه از ۴۵ نفر به ۹۰ نفر افزایش می‌دهد (The Hindu, 2009).

در سال‌های اخیر، تبادلات مردمی در قالب سفر روبه‌افزایش بوده است. پس از روسیه، چین با ۷۷ هزار گردشگر، جایگاه دوم را در سفر گردشگران به قزاقستان به‌خود اختصاص داده و در مقابل، ۸۵ هزار قزاق به چین سفر می‌کنند و چین پس از روسیه در جایگاه دوم قرار می‌گیرد (عزیزی، ۱۳۹۳: ۱۰۳). گرجستان نیز پیش‌بینی کرده تا سال ۲۰۲۵ حدود ۱۱ میلیون توریست از این کشور دیدار کنند که بیشتر آنها چینی خواهند بود (Huseynov, 2018). چین نرم‌افزارگرایی را در راستای نفوذ در آسیای مرکزی دنبال می‌کند. چینی‌ها می‌دانند نفوذ آشکار تهاجمی سبب چین‌هراسی و حساسیت روسیه می‌شود. چین قدرت نرم قابل توجهی در آسیای مرکزی دارد؛ زیرا خود را در منطقه یک دولت غیراروپایی بدون سنت امپریالیستی معرفی می‌کند تا هم موازنه‌دهنده نفوذ کشورهای سابقه‌دار امپریالیستی و هم قدرت نوظهور متمرکز بر تجارت و سرمایه‌گذاری نمایانده شود (Goble, 2018).

اگرچه قدرت نرم چین در آسیای مرکزی نفوذ کرده، اما کسری این گونه قدرت مانع اتخاذ مدل چینی می‌شود. حضور تجاری چین در آسیای مرکزی فاقد شفافیت بوده و این امر باعث ایجاد بدگمانی شده

است. چینی‌ها امیدوار بودند که با پذیرش الگوی چینی، منطقه تحت نفوذ چین درآیند، اما آسیای مرکزی جذب مدل چینی نشد (Christophersen, 2024). سؤال آن‌است که آیا چین می‌تواند به آسیای مرکزی سیستم جدیدی ارائه دهد که حاکمیت قانون، جامعه مدنی فعال، شفافیت و پاسخگویی نهادهای دولتی را ترویج کند؟ (Nurgozhayeva, 2020: 265).

کسری قدرت نرم چین در آسیای مرکزی معلول سنت‌های چینی و ماهیت اقتدارگرای حکومت‌های منطقه است. چین رهیافت خود به جهان را بر مبنای «رابطه دولت-دولت» بنا نهاده و در «دیپلماسی مردم-مردم» در آغاز راه است، اگرچه مراکز فرهنگی چینی در آسیای مرکزی نقش روبه‌رشدی دارند. از سویی دیگر، حکومت‌های آسیای مرکزی از «دیپلماسی دولت-دولت» استقبال می‌کنند؛ آنها «دیپلماسی مردم-مردم» را نه ابزار تفاهم فرهنگی بلکه تاکتیک تغییر نظام‌های سیاسی می‌دانند. از این رو، پکن برای حفظ قدرت نرم خود، در گسترش «ابتکار مردم-مردم» به‌کندی حرکت می‌کند (Goble, 2018).

۳.۵. روابط نرم‌افزاری چین با خاورمیانه

سیاست خاورمیانه‌ای چین به اهمیت روزافزون ژئواکونومیک، یعنی ابزارهای اقتصادی سیاست خارجی که دولت‌ها برای دستیابی به اهداف ژئوپلیتیک استفاده می‌کنند، اشاره دارد (Husain, 2023: 481). بر این اساس، چین از دهه ۱۹۹۰ با تمرکز بر اقتصاد و امنیت انرژی، در حوزه‌های تجارت، زیرساخت، سرمایه‌گذاری، همکاری‌های دیپلماتیک و امنیتی به کشورهای خاورمیانه نزدیک شد. پکن می‌کوشد بیطرفی سیاسی را در منازعات منطقه‌ای با استفاده از ابزارهای قدرت نرم حفظ کند. استراتژی انعطاف‌پذیر و عمل‌گرا، چین را در جبهه دیپلماتیک برمی‌انگیزاند تا برنامه‌هایی مانند «ابتکار کمربند-راه»، «مجمع همکاری چین-دولت‌های عربی» و «راهبرد عربی چین» ارائه نماید (Osman, 2017: 11-13). حضور نرم‌افزاری چین در خاورمیانه در سه سطح قابل ارزیابی است:

قدرت نرم اقتصادی: در خاورمیانه، چین به رهیافت «اول تجارت» متکی است. تجارت چین با کشورهای منطقه از ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ با ۸۷ درصد افزایش به ۱۰۰ میلیارد دلار رسید و در سال ۲۰۱۲ تا ۲۲۲ میلیارد دلار جهش یافت (Kazemi, 2014: 41). در سال ۲۰۱۳ به دومین شریک تجاری منطقه تبدیل شد، در حالی که بزرگ‌ترین شریک تجاری ده کشور منطقه نیز بود. دوسال بعد، به دومین صادرکننده به منطقه تبدیل شد (Hindy, 2017). به‌منظور تسهیل حضور اقتصادی، مقامات چینی به بهبود روابط با کشورهای منطقه روی آوردند. تلاش چین برای تمرکز بر پیوندهای اقتصادی به روابط «برد-برد» انجامیده که در سه حوزه مهم گسترش یافته: انرژی، زیرساخت‌ها و کالاهای کارخانه‌ای. در سال ۲۰۱۴، شی‌جین‌پنگ فرمول «(۱+۲+۳)» را ارائه کرد و اولویت را به همکاری انرژی، تجارت، سرمایه‌گذاری و تکنولوژی فضایی داد (Osman, 2017: 14).

دیپلماسی اقتصادی به ابزار «تولید قدرت نرم» تبدیل و موجب عدم مداخله عمل‌گرایانه چین در امور خاورمیانه بی‌ثبات شده است. چین در کنار گسترش روابط با عربستان سعودی، روابط حسنه با ایران و مناسبات استراتژیک با اسرائیل دارد، روابط تهران-ریاض را احیاء کرده است. در حالی که تحریم‌ها بازیگران

بین‌المللی را از تجارت با ایران بازداشته، چین به بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران تبدیل شده است. حضور اقتصادی چین در خاورمیانه و کمک به توسعه کشورهای منطقه سهم بسزایی در تصویرسازی مثبت از آن دارد. درحالی‌که در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۵ صادرات خاورمیانه به چین تا ۲۵ درصد رشد داشته، صادرات منطقه به ایالات متحده تا ۴۵ درصد کاهش داشته است. گسترش نفوذ چین که با همکاری اقتصادی شروع شد، انگیزه‌ای برای افزایش تعامل در سایر زمینه‌ها مانند مبادلات فرهنگی ایجاد کرده، به‌ویژه آنکه «ابتکار کمربند-راه» درها را به‌روی همکاری‌های بلندمدت‌تر می‌گشاید (Osman, 2017: 17).

قدرت نرم فرهنگی: به‌موازات جانمایی قدرت نرم در استراتژی تصویرسازی ملی، خاورمیانه هدف قدرت نرم فرهنگی چین شده است. چین ۱۷ مؤسسه کنفوسیوس و ۵ کلاس کنفوسیوس در خاورمیانه دارد، یادداشت تفاهمی درباره انتشار و ترجمه کتاب با کشورهای منطقه امضاء کرده، برنامه آموزش مترجمان چینی-عربی برای دانشجویان اتحادیه عرب تدارک دیده، بورسیه‌های روزافزونی به دانشجویان منطقه اعطاء کرده، برنامه‌های آموزش زبان‌های عربی، فارسی، ترکی و عبری تدارک می‌بیند. برای تبادلات فرهنگی به‌موجب «ابتکار کمربند-راه»، چین بورسیه‌هایی برای دانشجویان کشورهای مسیر طراحی کرده است. در سال ۲۰۱۲، تعداد دانشجویان عرب در چین از ۱۰/۰۰۰ نفر گذشت. مبادلات آموزشی نشان می‌دهد پکن این تعاملات را برای همکاری‌های منطقه‌ای ضروری می‌داند (Osman, 2017: 18-19).

از آنجاکه هدف چین شهرت‌سازی و مقابله با تصویرسازی ضدچینی غربی‌هاست، به «بین‌المللی‌سازی رسانه‌های خود» اقدام کرده است. علاوه بر آژانس قاهره که دسترسی شینخوا به خاورمیانه را گسترش می‌دهد، تلویزیون دولتی چین با راه‌اندازی کانال بین‌المللی عربی CCTV که بعداً CGTN نامیده شد، شروع به پخش اخبار عربی کرد (yang, 2014). «چین امروز»^۱ نسخه عربی درباره جهان و فعالیت‌های چین در منطقه منتشر می‌سازد. در سال ۲۰۱۵، مرکز ارتباطات بین‌المللی چین توافقی با کمپانی تصویر ملی در ابوظبی به ارزش ۱۰ میلیارد دلار در زمینه صنعت فیلم امضاء کرد. در نوامبر ۲۰۱۶، صندوق مشترک میان دوطرف تشکیل و کانال Quest Arabia با پخش برنامه عربی‌زبان برای ۲۲ کشور منطقه راه‌اندازی شد. سیاست رسانه‌ای چین نشان از اراده خودتصویرسازی به‌عنوان «ابرقدرت فرهنگی» نوظهور دارد (Rakhmat, 2017).

قدرت نرم سیاسی: اعمال حاکمیت، حق حفظ حاکمیت و عدم‌مداخله از عناصر تعامل چین با خاورمیانه است. این بخش از استراتژی نرم‌افزاری چین علاوه بر آن که برای منافع داخلی حیاتی است، مورد توافق و اقبال منطقه نیز می‌باشد (Niblock, 2020: 485). روابط چین با خاورمیانه طی سال‌های اخیر بهبود یافته، اما نقش سیاسی آن میانه‌رو باقی مانده است. سیاست عدم‌مداخله سهم مهمی در روابط عمل‌گرایانه چین با دولت‌های رقیب منطقه دارد، چراکه به‌باور پکن این مناسبات حامل فرصت‌های اقتصادی می‌باشند (Osman, 2017: 22). پکن به خاورمیانه به‌عنوان منبع انرژی و واردکننده تولیدات چینی می‌نگرد و هدفش حفظ روابط با همه بازیگران است. فقدان سابقه‌سیاسی منفی امتیاز چین است و برای حفظ این جایگاه از درگیری در امور منطقه می‌پرهیزد (Alterman, 2008: 79). چین از حامیان

فلسطین بوده، اسرائیل را در سال ۱۹۹۲ به رسمیت شناخت، امروزه در موضع میانه ایستاده و بر تحرکات دیپلماتیک منطقه‌ای خود می‌افزاید (Signh, 2014: 10).

حضور چین در خاورمیانه بعد از بهار عربی افزایش یافته است. پکن روابط با دولت مصر را که به دنبال کاهش اتکاء به غرب بود، تقویت و موافقتنامه‌هایی منعقد کرد. گرچه با سقوط دولت اخوانی این توافق‌نامه‌ها بلااثر شدند، اما روابط دوطرف بهبود یافت (Liu, 2014: 4). پکن در سوریه براساس سیاست عدم‌مداخله، از حکومت اسد حمایت به عمل آورد. با وجود این، پکن گفتگوهای بین نمایندگان خود و مخالفان سوریه ترتیب داد که طی آن حمایت از تغییر رژیم اعلام شد (Evron, 2013: 84-87). مشارکت در حفظ صلح در سودان جنوبی و افغانستان، توافق هسته‌ای ایران و میانجی‌گری در احیاء روابط تهران-ریاض چهره‌ای صلح‌آمیز از چین ترسیم کرده‌اند (Osman, 2017: 23-24).

خاورمیانه از نظر چینی‌ها «گورستان قدرت‌های بزرگ» است که می‌باید مداخله‌شان را به حداقل برسانند. جایگاه ژئواکونومیک خاورمیانه و بیطرفی چین به گسترش روابط با کشورهای منطقه انجامیده است. این رویکرد در سفر رئیس‌جمهور چین به منطقه در سال ۲۰۱۶ نمایان شد که از عربستان سعودی، ایران و مصر دیدار کرد. موضع فعال‌تر چین نسبت به آمریکا در فرایندهای مهم منطقه‌ای نشان از نفوذ آرام آن دارد (Osman, 2017: 24-25). تقاضای چین برای منابع طبیعی، به‌ویژه نفت و گاز به روابط پویا با خاورمیانه انجامیده است. روابط چین با خاورمیانه در بحبوحه بی‌اعتمادی متقابل غرب و کشورهای مسلمان گسترش یافت. غرب در دیپلماسی خود با جهان اسلام از رویکرد ایدئولوژیک بهره می‌گیرد، در حالی که چین نقش معتدل‌تر و عمل‌گرایانه‌تری در منطقه دارد (Burton, 2021: 198).

قدرت نرم نظامی: چین در راستای نفوذ نرم‌افزاری، هیچ‌گونه حضور نظامی دائمی در خاورمیانه ندارد. نگرانی اصلی چین، حفظ منافع اقتصادی از جمله سرمایه‌گذاری‌هاست و از این رو تمایلی به درگیری در منازعات منطقه‌ای و تیره‌سازی روابط با طرف‌های نزاع ندارد. ملاحظات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک به استقرار موقت نیروی نظامی نرم‌افزاری چین در خاورمیانه انجامیده است. تمرکز بر استقرار نیروی نظامی نرم‌افزاری در منطقه و نقش‌آفرینی در حفظ امنیت جهانی تصویر مثبتی از چین می‌سازد (Osman, 2017: 26). قدرت نظامی نرم‌افزاری چین با استقرار موقت نیروهای نظامی بدون امتیازات فراسرزمینی مشخص می‌شود، مأموریت‌های بشردوستانه، حفظ صلح و ممانعت از منازعه را به انجام می‌رساند، تأسیسات اطلاعاتی مشترک و مؤسسات آموزش نظامی راه‌اندازی می‌کند (Sun, 2015). حضور ناوهای این کشور در خلیج عدن و حوالی آب‌های سومالی برای اسکورت کشتی‌های ضدزدی دریایی نمونه‌هایی در این زمینه هستند.

چین با مشارکت در مأموریت‌های حفظ صلح سازمان ملل از توانایی نظامی خود به‌شيوه نرم‌افزاری استفاده می‌کند، ۱۷۲۱ پرسنل را در لبنان، صحاری غربی، سودان جنوبی، دارفور و مرزهای اسرائیل و همسایگان مستقر کرده است (UN, 2017: 9). فعالیت‌های نظامی نرم‌افزاری چین در منطقه ضمن ارتقاء موقعیت جهانی به ابزار محافظت از منافع اقتصادی و تولید قدرت نرم آن تبدیل شده‌اند. مشارکت چین در امور خاورمیانه به نفوذ و پیشبرد روابط با همه کشورهای منطقه که نقش بسزایی در ایجاد فرصت‌های

اقتصادی گسترده‌تر دارد، می‌انجامد (Osman, 2017: 27). همچنین، تمایلات قدرت نرم و ابتکار کمربند-راه در خاورمیانه نشان می‌دهد که چین به دنبال نقش آفرینی استراتژیک است. چشم‌انداز چین در این زمینه با روابط دوجانبه تحت اولویت‌های همکاری کمربند-راه مطابقت دارد. چین در شراکت با امارات متحده عربی، عربستان سعودی و مصر احتیاط خود به بی‌ثباتی و برهم خوردن نظم منطقه‌ای را نشان داده است (Fulton, 2019: 9).

۴.۵. روابط نرم‌افزاری چین با آفریقا

- روابط نرم‌افزاری چین با آفریقا براساس منافع استراتژیک طراحی شده است:
- پکن به دنبال منابع طبیعی نفت و گاز آفریقا است و برای حفظ ذخایر آینده، در بخش نفت سودان، آنگولا و نیجریه سرمایه‌گذاری کرده است.
 - سرمایه‌گذاری در آفریقا بازاری بزرگ برای صادرات چین است که تلاش برای بازسازی اقتصاد خود را بدون نیروی کار پرهزینه چینی تسهیل می‌کند.
 - چین به دنبال مشروعیت سیاسی است و تقویت روابط با آفریقا به افزایش نفوذ بین‌المللی این کشور می‌انجامد.
 - چین به دنبال ثبات‌سازی در آفریقا، خصوصاً کاهش تهدیدات امنیتی نسبت به منافع اقتصادی خود است.

استراتژی قدرت نرم چین در آفریقا در پنج بُعد قابل توجه است:

سرمایه‌گذاری: سرمایه‌گذاری پکن در آفریقا از طریق مجمع همکاری چین-آفریقا افزایش یافته که طیفی از موضوعات سیاسی، اقتصادی تا فرهنگی را دربرمی‌گیرد. قدرت نرم چین در آفریقا به سرمایه‌گذاری در دویخش مرتبط است (Nagao, 2016: 25):

سرمایه‌گذاری غیرمستقیم قدرت نرم: این بخش از سیاست چین معطوف به تبادلات مردم-با-مردم است. پکن در اجلاس FOCAC سال ۲۰۲۴ اعلام کرده در راستای اجرای «آینده آفریقا»، به پروژه همکاری چین-آفریقا در زمینه آموزش حرفه‌ای، ساخت مدارس فناوری مهندسی و راه‌اندازی و ارتقای ۱۰ کارگاه آموزشی و ۲۰ مدرسه ادامه خواهد داد. چین ۶۰،۰۰۰ فرصت آموزشی به آفریقا ارائه خواهد کرد. پکن مکانیسم‌های همکاری علمی-آموزشی با آفریقا را اصلاح و مراکز همکاری منطقه‌ای چین-آفریقا را برای آموزش دیجیتال ایجاد خواهد کرد. پکن بر پیشبرد برنامه «جاده ابریشم فرهنگی» چین-آفریقا تأکید کرد. ۱۰۰۰ متخصص فرهنگ و گردشگری آفریقایی را برای آموزش به چین دعوت خواهد کرد و سال ۲۰۲۶ را به‌عنوان سال مبادلات مردم چین و آفریقا تعیین می‌کند (MFA, 2024).

جذب دانشجویان، اعطای بورسیه تحصیلی و تأسیس نهادهای کنفوسیوس مهم‌ترین سرمایه‌گذاری‌های قدرت نرم غیرمستقیم چین در آفریقا می‌باشند. تخصیص بورسیه تحصیلی به دانشجویان آفریقایی یکی از اجزاء مهم کمک چین در آفریقا است (Nuwer, 2024). پکن در اجلاس FOCAC سال ۲۰۰۶ اعلام کرد که

تعداد سالانه بورسیه‌ها را از ۲۰۰۰ به ۴۰۰۰ می‌رساند و در سال ۲۰۱۵ وعده داد که ۳۰/۰۰۰ بورسیه در سه سال آینده اعطاء خواهد کرد (Nagao, 2016: 30). چین در سال ۲۰۱۸ میزبان ۸۰.۰۰۰ دانشجوی آفریقایی (۵۰.۰۰۰ دانشجوی بورسیه دانشگاه‌های چینی) بود که افزایش ۶۰ درصدی را طی سه سال نشان می‌داد (Ebel, 2024). این رقم ۱۷ درصد از دانشجویان خارجی در چین را دربرمی‌گیرد که در مقایسه با رقم ۲ درصد در سال ۲۰۰۶ افزایش قابل توجهی را نشان می‌دهد (Nuwer, 2024).

بدین منوال، از اولین نهاد کنفوسیوس که در دانشگاه نایروبی در سال ۲۰۰۵ تأسیس شد، تعداد آنها به ۵۶ عدد در سال ۲۰۱۶ (Nagao, 2016: 30) و به بیش از ۶۷ عدد در سال ۲۰۲۴ در بیش از ۴۰ کشور آفریقایی رسید (Kveten, 2024). افزایش بورسیه‌ها و نهادهای کنفوسیوس دلالت بر تلاش پکن برای گسترش قدرت نرم غیرمستقیم در آفریقا دارد (Nagao, 2016: 30).

سرمایه‌گذاری مستقیم قدرت نرم: بعد دیگر سرمایه‌گذاری قدرت نرم چین در آفریقا تأسیس زیرساخت‌هاست. مرکز پیشگیری از مالاریا در لیبیا، مدرسه ملی هنرهای تجسمی در موزامبیک و سالن اپرای ۱/۴۰۰ صندلی در الجزایر نمونه‌هایی از سرمایه‌گذاری مستقیم چین در قدرت نرم می‌باشند. نمونه‌های مشابه در بیمارستان مرکزی لوزاکا در زامبیا، استادیوم فوتبال در مالی و تئاتر بزرگ ملی سنگال قابل مشاهده‌اند (Nagao, 2016: 34-35). افزون‌براین، چین تا سال ۲۰۲۴ در ساخت و بازسازی ۱۰.۰۰۰ کیلومتر خط آهن، ۱۰.۰۰۰ کیلومتر جاده، تأمین بیش از ۵۰ درصد بودجه پروژه‌های انرژی پاک، تأسیس ۸۰ درصد زیرساخت‌های شبکه‌های دیجیتالی نسل ۳ و ۷۰ درصد نسل ۴ در آفریقا مشارکت داشته است (Focac, 2024).

کمک‌های خارجی نوع دیگری از سرمایه‌گذاری قدرت نرم چین در آفریقا است. کمک چین به آفریقا همواره افزایش داشته؛ به گونه‌ای که به ۴ برابر از سال ۲۰۰۱ (۳۰۳ میلیون دلار آمریکا) تا سال ۲۰۰۹ (۱/۴ میلیارد دلار آمریکا) رسید. برپایه منابعی دیگر، این رقم تا حدود ۱۸۰۰ برابر از ۲۰۰۲ (۱۰ میلیون دلار) تا ۲۰۰۷ (۱۸ میلیارد دلار) (Huang, 2018: 14) یا از ۶۳۱ میلیون دلار در ۲۰۰۳ به حدود ۳ میلیارد دلار در ۲۰۱۵ افزایش یافت که رشد سالانه ۱۴ درصد را نشان می‌دهد (Nagao, 2016: 36). چین به گسترش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در الجزایر، زامبیا، جمهوری کنگو و نیجریه اقدام کرده است. سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۹ سرمایه‌گذاری مستقیم چین در آفریقا نرخ رشد ۲۰/۵ درصدی را تجربه کرد و ۲۰۰۸ تنها سالی بود که جریان این نوع سرمایه‌گذاری چین در آفریقا، از آمریکا نیز پیشی گرفت. این موضوع تعهد چین به کمک به شرکای آفریقایی‌اش را نشان می‌دهد (Huang, 2018: 14-15).

وام‌دهی نیز بیان‌گر تعهد اقتصادی چین به آفریقا است. چین در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۰۰ وام‌دهی به آفریقا را ۹۴/۴ میلیارد دلار افزایش داد و نظر مثبت وام‌گیرندگان آفریقایی را به سیاست‌های خود جلب کرد. تجارت نیز دوجانبه جزء اساسی روابط چین-آفریقا است (Huang, 2018: 15). گسترش تعامل آفریقا-چین از طریق FOCAC در حجم تجارت نمایان است که از سال ۱۹۹۹ یعنی قبل از تأسیس FOCAC (۵/۶ میلیارد دلار) تا سال ۲۰۱۳ (۲۱۰ میلیارد دلار) تا حدود ۳۲ برابر افزایش یافت. چین به بزرگ‌ترین شریک تجاری آفریقا تبدیل شده است (Nagao, 2016: 25-26).

برجسته‌سازی هویت‌های مشترک برخاسته از مبارزات تاریخی: این نوع هویت‌سازی به تجارب مشترک از استعمار غرب اشاره دارد. چین بر برابری حاکمیت کشورهای ضعیف‌تر تأکید می‌ورزد و آفریقایی‌ها به حضور چین در منطقه رویکرد مثبت نشان می‌دهند. سابقه تاریخی مشترک و رفتار هنجاری چین که بر عدم مداخله و احترام به حاکمیت ملی تأکید دارد، باعث شده آفریقایی‌ها حضور چین را «خیرخواهانه» تلقی کنند. در ۱۹۸۹، به‌رغم اینکه لیبریا با شناسایی تایوان به قطع روابط با چین اقدام کرد، اما پکن پروژه‌های اجتماعی در این کشور مانند بیمارستان خصوصی چینی را همچنان مشغول خدمات‌رسانی نگاه داشت (Huang, 2018: 22-23).

برجسته‌سازی هویت‌های برخاسته از مدل‌های توسعه: آفریقایی‌ها معتقدند که حضور چین حامل فرصت‌های ارزنده‌ای برای آنهاست، چراکه با اشتغال‌زایی، ورود تکنولوژی و سرمایه همراه است. آنها مدل توسعه چین را سرمشقی برای خود می‌دانند (Huang, 2018: 25-26). آنچه کشورهای آفریقایی را جذب مدل توسعه چینی می‌کند، مناقشه بر سر اجماع‌واشنگتن است که آیا شروط اقتصادی همراه با کمک مفید به حال توسعه آنهاست؟ بدینی به غربی‌ها به سابقه استعمارگری آنها برمی‌گردد، آفریقایی‌ها را جذب مدل چینی می‌سازد، چشم‌انداز آفریقایی‌ها از توسعه خود در آینده را تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ زیرا به‌باور آنها جایگزین مهمی برای مدل توسعه غربی وجود دارد و می‌باید پا جای پای چینی‌ها بگذارند (Brautigam, 2014: 346-52).

قدرت نرم چین مورد اقبال آفریقایی‌هاست و نظرسنجی‌ها از تداوم دورنمای مثبت آن در آینده حکایت دارند. چین دیدگاه‌های مثبتی در کشورهای منطقه دریافت می‌کند؛ در تانزانیا ۷۷٪، در کنیا ۷۴٪، در سنگال ۷۱٪، در نیجریه ۷۰٪، در اوگاندا ۶۱٪، غنا ۶۱٪. به علاوه، نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند کشورهای آفریقایی رشد اقتصادی چین و حضور آن در منطقه را می‌پذیرند (Silver, 2023b). با وجود این، نگرانی‌ها و مخالفت‌هایی نیز در میان آفریقایی‌ها از حضور و نفوذ فزاینده چین مشاهده می‌شود؛

اول این که آنها با موضوع وابستگی به توسعه اقتصادی چین به‌ویژه در صنایع نفتی و کالاهای اساسی محتاطانه برخورد می‌کنند. دوم این که، آنها نگران فقدان دغدغه‌های زیست‌محیطی در پروژه‌های توسعه‌ای چین در کشورهايشان هستند. این نگرانی‌ها طیفی از عدم‌رعایت استانداردهای ایمنی توسط شرکت‌های چینی و به‌خطر انداختن جان کارگران آفریقایی (مانند انفجار بمبی در بیرون پالایشگاهی در نیجریه در سال ۲۰۰۶ تا مصدوم شدن معدن کاران زیمبابوئه‌ای در سال ۲۰۱۰ و تا اعتراض به فساد دولت گابن در نتیجه افزایش درآمد نفتی با سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی و آثار مخرب زیست‌محیطی آن) را شامل می‌شوند. سوم این که، آفریقایی‌ها بیش از سایر مناطق نگران «تله وام» چینی‌ها و نتیجتاً اعطای امتیازات چشم‌گیر اقتصادی به آنها هستند (Hassing, 2012: 12-13). بنابراین، آفریقایی‌ها به یک‌میزان تحت‌تأثیر چین نیستند و با یک‌دید واحد به حضور منطقه‌ای آن نمی‌نگرند. همان‌گونه که هواداران تعامل با چین از نقش مثبت و پیشران اقتصادی این کشور جانبداری می‌کنند، مخالفان نیز از استانداردهای ضعیف کاری و زیست‌محیطی شرکت‌های چینی ابراز نارضایتی می‌کنند.

۵.۵. روابط نرم‌افزاری چین با آمریکای لاتین

علاقه چین به آمریکای لاتین پدیده نسبتاً جدیدی است که به منابع مورد نیاز (آهن، فولاد، نفت و...) از طریق تجارت و سرمایه‌گذاری مربوط می‌شود. هدف دیگر منزوی‌سازی تایوان از طریق جذب آمریکای لاتین است تا شناسایی دیپلماتیک را معطوف به پکن سازند (Congressional Research Service Library of Congress, 2008: 16). سیاست نرم‌افزاری چین در آمریکای لاتین تلاشی در جهت موازنه‌سازی متقابل در برابر نفوذ ایالات متحده و سایر قدرت‌های غربی در منطقه است (Rouvinski, 2023: 64).

چین دو استراتژی برای آمریکای لاتین تعریف کرده است:

- استراتژی اقتصادی برای دستیابی به مواد خام و بازار بزرگ برای تولیدات چینی؛ استراتژی‌ای که معطوف به اهداف توسعه‌ای است.
- استراتژی سیاسی در راستای کسب شناسایی دیپلماتیک از سوی کشورهای که تایوان را به رسمیت می‌شناسند.

مهم‌ترین حوزه‌های سیاست نرم‌افزاری چین در آمریکای لاتین عبارتند از:

روابط دوجانبه و رقابت با تایوان: از ۳۳ کشور آمریکای لاتین و کارائیب، چین با ۲۱ کشور رابطه دیپلماتیک دارد و ۱۲ کشور روابط با تایوان را حفظ کرده‌اند. چین «موافقتنامه مشارکت استراتژیک» با برزیل، ونزوئلا، مکزیک و آرژانتین؛ «موافقتنامه مشارکت همکاری‌آمیز» با بولیوی، شیلی، کلمبیا، کوبا، اکوادور، جامائیکا و پرو؛ و موافقتنامه‌های مبادله دانشجو منعقد کرده است. چین کوشیده کشورهای منطقه را به بازپس‌گیری شناسایی دیپلماتیک تایوان ترغیب کند. تایوان که کمک‌کننده و سرمایه‌گذار اصلی در این منطقه بوده، اینک تحت فشار ناشی از عملکرد دیپلماتی اقتصادی چین قرار دارد. از سال ۲۰۰۴، دومینیکا، گرانادا و کاستاریکا شناسایی دیپلماتیک از تایوان را معطوف به چین ساخته‌اند که موفقیتی برای سیاست «نزدیکی چین به دوستان تایوان» به‌شمار می‌آید (Congressional Research Service Library of Congress, 2008: 17-18). امتناع پکن از روابط با کشورهای که حاکمیت تایوان را به رسمیت می‌شناسند، موجب کاهش حمایت آمریکای لاتین از این جزیره شده است. در سال ۲۰۲۳، هندوراس آخرین کشوری بود که وفاداری دیپلماتیک را به پکن تغییر داد. فشارها بر سایرین (دومینیکن، نیکاراگوئه و هائیتی) همچنان باقیست (Roy, 2023).

سازمان‌های منطقه‌ای: علاوه بر روابط دوجانبه، چین به بهره‌برداری از ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای (سازمان کشورهای آمریکایی، اتحادیه همگرایی آمریکای لاتین، آژانس ممانعت از تسلیحات هسته‌ای در آمریکای لاتین، بانک توسعه بین‌امریکایی) روی آورده است. چین به عملیات حفظ صلح سازمان ملل در منطقه از طریق اعزام نیرو با مأموریت ثبات‌سازی منطقه‌ای در هائیتی در سال ۲۰۰۴ کمک کرد که تا ۲۰۰۸ ادامه یافت. هدف از مشارکت‌گرایی نهادی در آمریکای لاتین سلب شناسایی دیپلماتیک از تایوان است (Congressional Research Service Library of Congress, 2008: 18-19).

۶. پیوندهای اقتصادی

تجارت: نیاز چین به منابع طبیعی و معدنی و بازار پرجمعیت منطقه مهم‌ترین انگیزه اقتصادی آن است. تجارت چین با آمریکای لاتین از ۸/۲ میلیارد دلار در ۱۹۹۹ به حدود ۷۰ میلیارد دلار در ۲۰۰۶ افزایش یافت. در این دوران تجارت چین با منطقه به‌عنوان درصدی از تجارت جهانی‌اش از ۳/۲٪ در ۱۹۹۹ به ۴٪ در ۲۰۰۶ رسید. برای بسیاری از این کشورها چین به بزرگترین شریک تجاری تبدیل شده و یکی از چهار بازار صادرات و واردات آنها به‌شمار می‌آید. چین با شیلی و کاستاریکا موافقتنامه تجارت آزاد امضاء کرده است. این ارقام و توافق‌ها بیان‌گر اهمیت چین به‌عنوان شریک تجاری منطقه است (Congressional Research Service Library of Congress, 2008: 20-21).

سرمایه‌گذاری: در راستای افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آمریکای لاتین، حجم سرمایه‌گذاری چین در منطقه از ۴/۶ میلیارد دلار در ۲۰۰۳ به ۱۴٪ افزایش داشت و به رقم ۱۱/۵ میلیارد دلار در ۲۰۰۵ رسید که بالغ بر ۲۹٪ کل سرمایه‌گذاری چین را در برمی‌گیرد. سرمایه‌گذاری چین در منطقه که بخش عمده آن به صنعت و فناوری اختصاص یافته، نمایان‌گر توان علمی و اقتصادی و تصویرگر قدرت آن نزد جوامع آمریکای لاتین است. پیشرفت‌های فناوری و علمی چین به‌عنوان یکی از ابعاد قدرت نرم، در آمریکای لاتین (۷۲٪) موردتحمین قرار گرفته‌اند (Congressional Research Service Library of Congress, 2008: 22-24).

توریسم: چین ۱۶ کشور در آمریکای لاتین را مقصد سفرهای توریستی شهروندان خود معرفی کرده و استقبال چینی‌ها بسیاری از کشورهای منطقه را برانگیخته تا از طریق انعقاد موافقتنامه‌هایی با پکن زمینه جلب توریست‌های چینی را فراهم آورند. این قبیل موافقتنامه‌ها برای اولین بار در سال ۲۰۰۳ با کوبا امضاء شد و سپس ۱۵ کشور دیگر نیز اعلام‌آمدگی کردند. نظربه عواید اقتصادی ناشی از سفرهای توریستی، کشورهای منطقه ترغیب شده‌اند تا بستر جذب توریست‌های چینی را فراهم آورند (Li, 2007: 848).

کمک‌های خارجی: آمریکای لاتین ۱۰ درصد کل کمک‌های خارجی چین را (بعد از آسیا و آفریقا) به‌خود اختصاص می‌دهد. چین از این کمک‌ها به‌عنوان ابزار دیپلماسی اقتصادی استفاده کرده تا با جذب کشورها زمینه تقویت روابط دیپلماتیک و تغییر رویکرد آنها به روابط دیپلماتیک با تایوان را فراهم سازد. ساخت استادیوم ورزشی در گرانادا، جامائیکا و باربودا؛ اعطای بورسیه تحصیلی؛ ساخت مؤسسه‌های کنفوسیوس، مدرسه، بیمارستان، راه‌آهن و بزرگراه؛ کمک‌رسانی در بلایای طبیعی (گرانادا بعد از توفان ۲۰۰۴ یا پرو بعد از زمین‌لرزه ۲۰۰۷)، بخشودگی بدهی‌ها؛ وام‌های اهدایی (جامائیکا به ارزش ۱۲ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰؛ سورینام، ونزوئلا، ترینیداد و توباگو در سال ۲۰۰۷ به ارزش ۵۳۹ میلیون دلار) و تأسیس صندوق توسعه مشترک (با ونزوئلا در سال ۲۰۰۷ با سهم ۴ میلیارد دلاری چین) از جمله کمک‌های چین در آمریکای لاتین می‌باشند (Congressional Research Service Library of Congress, 2008: 27-28).

ابتکارهای قدرت نرم چین در آمریکای لاتین بیان‌گر رهیافت چندوجهی پکن برای تقویت پیوندهای فرهنگی، افزایش درک متقابل و گسترش نفوذ منطقه‌ای این کشور است. این تلاش‌ها نتایج مثبتی داشته‌اند؛ از آنجا که همکاری سیاسی و اقتصادی می‌تواند ناشی از موفقیت دیپلماسی فرهنگی، مشارکت دیاسپورا،

پوشش رسانه‌ای و حکمرانی استراتژیک ملی باشد که چین خود را به‌مثابه بازیگر جهانی مسئول معرفی می‌کند که سیاست‌های مبتنی بر ارزش‌هایی متفاوت از ارزش‌های غربی‌هاست. چین بدین طریق هژمونی لیبرال‌دموکراسی غربی را در آمریکای لاتین به چالش می‌کشد. در ادامه، چین از کشورهای آمریکای لاتین در مجامع بین‌المللی مانند سازمان ملل حمایت به‌عمل می‌آورد (Song, 2023).

نتیجه‌گیری

چین در راستای توسعه‌گرایی به ضرورت سیاست خارجی متناظر پی برده، آن را در ایفای نقش بازیگر ثبات‌ساز در سطح منطقه‌ای و بازیگر مسئول در سطح بین‌المللی می‌جوید. این دگرگونی که از دهه ۱۹۷۰ شروع شد، با پایان جنگ سرد در دهه ۱۹۹۰ وارد مرحله جدیدی شد. چینی‌ها در این دوره درصدد اطمینان‌بخشی به همسایگان برآمدند تا تصویر تاریخی «تهدید چین» را اصلاح کنند. ضرورت این دگرگونی به تداوم توسعه بازمی‌گردد، چراکه در اندیشه چینی‌ها امتناعی اجتناب‌ناپذیر میان پیشبرد توسعه با تخاصم منطقه‌ای وجود دارد.

چینی‌ها در کنار پیشبرد برنامه‌های اقتصادی و نظامی که تجلی‌بخش قدرت سخت‌افزاری آنهاست، خود را ناگزیر از قدرت‌افکنی نرم‌افزاری نیز یافتند. اهداف اصلی آنها از نرم‌افزارگرایی در سیاست خارجی را می‌توان در موقعیت‌یابی به‌عنوان قدرت‌بزرگ؛ تصویرسازی و ابطال «تئوری تهدید چین» یافت که با اتکاء به منابع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی و با استفاده از ابزارهایی مانند نهادهای کنفوسیوسی؛ جذب دانشجویان خارجی؛ اعزام دانشجویان چینی به خارج؛ رسانه‌ها و مطبوعات؛ توریسم و ارتباطات مردم‌محور؛ کمک‌های مالی و اقتصادی و بهره‌گیری از ظرفیت دیاسپورای چینی پیش برده می‌شود.

چینی‌ها با اتکاء به قدرت اقتصادی به‌عنوان مزیت نسبی به تقویت قدرت نرم برای ایجاد «حوزه‌های نفوذ منطقه‌ای» همت گمارده‌اند. رهبران چین علاوه بر روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی به ارتقاء روابط نرم‌افزاری با دولت‌ها و ملت‌ها در جهان روی آورده‌اند. از این رهگذر کاربست دیپلماسی عمومی در اشاعه ارزش‌ها و باورهای چینی، تصویرسازی مطلوب از چین، بهبود محیط بین‌المللی و نفوذگذاری در تصمیمات سایر کشورها مؤثر واقع می‌شود. سیاست خارجی نرم‌افزاری توانسته تاحدی به کاهش ترس به‌ویژه در میان همسایگان و ترمیم چهره تهدیدآمیز چین بینجامد.

چین از بزرگترین شرکای تجاری و سرمایه‌گذاری؛ از مهم‌ترین کمک‌کنندگان به آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین؛ جذاب‌ترین «مدل توسعه» برای کشورهای در حال توسعه و از مهم‌ترین اعطاءکنندگان بورسیه تحصیلی در مناطق فوق‌الذکر است. مطابق این سیاست، قدرت نرم چین خصلتی اقتصادی دارد. در حالی که چین شریک اقتصادی در جهان در حال توسعه تلقی می‌شود، این به‌معنای گسترش ارزش‌ها، فرهنگ و ایده‌های چینی نیست. جاذبه‌آفرینی چین در این مناطق اقتصادی است نه فرهنگی. در این معنا قدرت نرم چینی از مدل غربی متمایز می‌گردد.

جاذبه چین در مناطق هدف، بیش از آن که برآمده از غنای تاریخی-فرهنگی این کشور باشد، برخاسته از قدرت صنعتی، علمی و فناوری آن است. تازمانی که قدرت اقتصادی چین پیش‌رونده باشد،

قدرت نرم این کشور نیز تقویت می‌گردد. با وجود این، یافته‌ها نشان می‌دهند به‌رغم اولویت‌دهی چین به آسیای جنوب شرقی و آسیای مرکزی در سیاست خارجی نرم‌افزاری، بیشترین دستاورد در آفریقا و آمریکای لاتین نصیبش شده است.

منابع

- پوراحمدی، حسین و خانی، محمود (۱۳۹۶)، اقتصاد سیاسی سیاست خارجی چین در عصر جهانی شدن اقتصاد، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۸، شماره ۳، در: https://piaj.sbu.ac.ir/arti-cle_99530_c17497db8e57941ecfdc0354c2348dc1.pdf
- خادمی، موسی (۱۳۹۴) تهدیدات امنیت اقتصادی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی
- سازمند، بهاره و نریمانی، گلناز (۱۳۹۳)، چین، ابرقدرت شدن و چالش‌های آن، مطالعات سیاسی، دوره ۷، شماره ۲۵، در: https://journals.iau.ir/article_528991_d061873ec80dd4624754c7cb-5cb908ef.pdf
- سلیمانی‌پورلک، فاطمه (۱۳۹۰)، قدرت نرم در سیاست خاورمیانه‌ای امریکا، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- سیف، الله‌مراد (۱۳۹۲)، مفهوم شناسی قدرت نرم اقتصادی توسعه نظریه قدرت نرم متعارف در حوزه اقتصاد، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۵۸، در: <https://ensani.ir/file/download/arti-cle/20170315101229-9959-39.pdf>
- عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۳)، قدرت نرم چین در منطقه آسیای مرکزی: رویکردها، ابزارها و اهداف، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، پیاپی ۸۸ (زمستان ۱۳۹۳) در: <https://www.academia.edu/30653041/%D9%>
- نریمانی، گلناز، اخوان کاظمی، مسعود و صادقی، سید شمس‌الدین (۱۳۹۷)، تحلیلی بر راهبردها و ابزارهای تحکیم و گسترش قدرت نرم چین، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره ۴۳، در: https://journals.iau.ir/article_545077_fc67ee15864508b2ee46ce330721dcb3.pdf
- واتانابه، یاسوشی (۱۳۹۰)، آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم، ترجمه محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق

References

- Alterman, John (2008), "China's Soft Power in the Middle East", At: https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/publication/090310_chinesesoftware__chap5.pdf
- Aydin, Gulsen Şeker, and Müge Yüce (2018), "China's Hard Power versus Soft Power in Central Asia: An Analysis of the 'One Belt-One Road Initiative' as a Soft Power Instrument", At: <https://www.researchgate.net/publication/332083399>
- Azizi, Hamidreza (2013), "China's soft power in the Central Asian region: approaches, tools and goals", Central Asia and the Caucasus, vol. 88, [In Persian], At: <https://www.academia.edu/30653041/%D9%>

- Burton, Guy (2021), "China's Three Level Game in the Middle East." *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies* 15, no. 2, 189–204. <https://doi.org/10.1080/25765949.2021.1928412>
- Caro, Céline-Agathe (2022), "The Smiling Dragon: China's Soft Power in Southeast Asia", At: <https://www.kas.de/documents/274654/18512123/The+Smiling+Dragon.pdf/ae5d2fee-2f6a-d216-6074-4568e20bc684?version=1.0&t=1669278336818>
- Chee-Beng, Tan (2024), "Chinese Overseas and China's Soft Power", <https://doi.org/10.1355/9789815203042-003>
- Christoffersen, Gaye (2024), "China's Strategic Thinking toward Central Asia, 2013-2024", At: <https://theasanforum.org/chinas-strategic-thinking-toward-central-asia-2013-2024/>
- Congressional Research Service Library of Congress, (2008), "China's Foreign Policy and Sof Power in South America, Asia, and Africa", At: https://fas.org/irp/congress/2008_rpt/crs-china.pdf
- Dinh, Julia Luong; Ha Hai Hoang, and Cu Thi Thuy Lan (2024), "China's Soft Power in Southeast Asia Thriugh the Belt & Road Initiative and Vietnam's Reception, *Asian Perspective* (48), Doi: 10.1353/apr.2024.a928618
- Ebel, Pippa (2024), "How Is China's Global Education Strategy Evolving?", At: <https://thediplomat.com/2024/07/how-is-chinas-global-education-strategy-evolving/>
- Evron, Y. (2013), "Chinese involvement in the Middle East: The Libyan and Syrian Crisis, Strategic Assessment", At: https://www.researchgate.net/publication/272789807_Chinese_Involvement_in_the_Middle_East_The_Libyan_and_Syrian_Crises
- FOCAC (2024), "Full text: Toast by Chinese President Xi Jinping at welcoming banquet of 2024 FOCAC summit", At: <https://2024focacsummit.mfa.gov.cn/eng/>
- Fulton, Johnathan (2019), "China's Changing Role in the Middle East," Atlantic Council, At: https://www.atlanticcouncil.org/wp-content/uploads/2019/06/Chinas_Changing_Role_in_the_Middle_East.pdf
- Glaser, Bonnie S., and Melissa E. Murphy (2009), "Soft Power with Chinese Characteristics: The Ongoing Debate", In: *Chinese Soft Power and Its Implications for the United States: Competition and Cooperation in the Developing World, A Report of the CSIS Smart Power Initiative*, edited by Carola McGiffert, Washington, DC: Center for Strategic and International Studies, At: https://csis-website-prod.s3.amazonaws.com/s3fs-public/legacy_files/files/media/csis/pubs/090403_mcgiffert_chinesesoftpower_web.pdf
- Glosny, Michael (2006), "Heading toward a Win-Win Future? Recent Developments in China's Policy toward Southeast Asia", *Asian Security*, no. 1, DOI:10.1080/14799850600575199
- Goble, Paul (2018), "China's 'Soft Power' in Central Asia Both More and Less than It Appears", At: <https://jamestown.org/program/chinas-soft-power-central-asia-less-appears/>
- Hassing, Kongdon oh (2012), "China's Soft Power Strategy in Africa", At: <https://www.jstor.org/stable/pdf/resrep26970.4.pdf>
- He, Lan and Stephen Wilkins (2019), "The Return of China's Soft Power in South East Asia", At: <https://link.springer.com/article/10.1057/s41307-018-0084-x>.
- Hindy, L. (2017), "A Rising China Eyes the Middle East", Available at: <https://tcf.org/conA tent/report/rising-china-eyes-middle-east/>
- Huang, Jessica (2018), "The Study of Soft Power: China's Presence in African Region", At: https://www.researchgate.net/233176600_China's_'soft_power'_in_Africa
- Husain, Andi Subhan, Ahmad Sahide (2023), "China's Middle East Foreign Policy: A Soft

- Power Approach and Human Right Issues”, *Technium Social Sciences Journal*, Vol. 39, DOI:10.47577/tssj.v39i1.8105
- Irfan, Rafia (2024), “China’s Global Influence: A Soft Power Approach”, At: <https://modern2diplomacy.eu/2024/08/11/chinas-global-influence-a-soft-power-approach/>
 - Kazemi, A. V. and Chen, X. (2014), “China and the Middle East: More than Oil, The European Financial Review”, At: <https://www.europeanfinancialreview.com/china-middle-east-oil>
 - Khademi, Musa (2019), *National Economic Threats*, Tehran: National Defense University [In Persian]
 - Kurlantzick, Joshua (2007), *Charm Offensive: How China’s Soft Power Is Transforming the World*. New Haven, CT: Yale University Press, At: <https://carnegieendowment.org/2007/04/24/charm-offensive-how-china-s-soft-power-is-transforming-world-pub-19126>
 - Kveten (2024), “2024 Joint Conference of Confucius Institutes in Africa, Nairobi.”, At: <https://www.uom.ac.mu/confucius/index.php/cs/component/content/article/ci-news-2024-joint-conference-of-confucius-institutes-in-africa-nairobi?catid=66&Itemid=219>
 - Laowattanabhongse, Apisada (2024), “China’s soft power ascendancy in Central Asia”, *Social Science and Humanities Journal*, DOI: <https://doi.org/10.18535/sshj.v8i04.103>
 - Li, He (2007), “China’s growing interest in Latin America and its implications”, *Journal of Strategic Studies*, Vol. 30, No. 4-5, <https://doi.org/10.1080/01402390701431972>
 - Liu, Ted (2014), “China’s Economic Engagement in the Middle East and North Africa”, At: <https://www.files.ethz.ch/isn/176362/China%E2%80%99s%20economic%20engagement%20in%20the%20Middle%20East%20and%20North%20Africa.pdf>
 - Lum, T, W.M. Morrison, B. Vaughn (2013), “China’s Soft Power in Southeast Asia”, At: https://www.researchgate.net/publication/293121708_China’s_soft_power_in_Southeast_Asia.
 - Mifa (2024), “Forum on China-Africa Cooperation Beijing Action Plan (2025-2027)”, At: https://2024focacsummit.mfa.gov.cn/eng/hyqk_1/202409/t20240906_11486213.htm
 - Nagao, Haruka (2016), “China’s soft power investment in African nations”, At: <https://pdfs.semanticscholar.org/7b91/9d7a20e8da7ac0fa4f5c555a054affaf220c.pdf>.
 - Narimani, Golnaz, Masoud Akhavan and Seyed Shamsoddin Sadeghi (2017), “An analysis of strategies and tools for strengthening and expanding China’s soft power”, *International Relations Studies*, year 15 [In Persian], At: https://journals.iau.ir/article_545077_fc67ee-15864508b2ee46ce330721dcb3.pdf
 - Niblock, Tim (2020), “China and the Middle East: A Global Strategy Where the Middle East Has a Significant but Limited Place”, *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies* 14, no. 4, 481–504. <https://doi.org/10.1080/25765949.2020.1847855>
 - Nuwer, Rachel (2024), “Why China has been a growing study destination for African students”, At: <https://www.nature.com/articles/d41586-024-01599-z>
 - Nye, Joseph (2005), “The Rise of China’s Soft Power”, *Wall Street Journal Asia*, December 29, At: <https://doi.org/10.1525/as.2008.48.3.453>
 - Nye, Joseph (2008a), “Public Diplomacy and Soft Power”, doi.org/10.1177/0002716207311699
 - Nye, Joseph (2008c), *The Future of Power*, New York: Public Affairs, At: https://www.files.ethz.ch/isn/154756/issuesinsights_vol11no08.pdf
 - Osman, Romana (July 2017), “China’s soft power: an assessment of positive image build-

- ing in the Middle East”, At: <https://openaccess.leidenuniv.nl/bitstream/handle/1887/53153/final%20thesis.pdf?sequence=1>.
- Pourahmadi, Hossein and Mahmoud Khani (2016), “Political Economy of China’s Foreign Policy in the Age of Economic Globalization”, Political and International Approaches, Year 8, Number 3, [In Persian], At: https://piaj.sbu.ac.ir/article_99530_c17497db8e57941ecfdci0354c2348dc1.pdf
 - Rakhmat, M. Z. (2017), “China’s Media Foothold Expands to the Gulf”, At: [http://thediplo\(mat.com/2017/04/chinas-media-foothold-expands-to-the-gulf/](http://thediplo(mat.com/2017/04/chinas-media-foothold-expands-to-the-gulf/)
 - Rogozhina, N. A. and A. A. Rogozhina (2019), “Economic presence of China in Southeast Asia as a condition for promoting “soft power” policy”, DOI:10.20542/0131-2227-2019-63-4-40-49
 - Rouviski, Vladimir (2023), “China’s Soft Power in Latin America”, At: <https://dialogopoliti@co.org/wp-content/uploads/2024/02/cap-6-chinas-soft-power-in-latin-america-DP-2023.pdf>
 - Sazmand, Bahare and Golnaz Narimani (2013), “China; Becoming a Superpower and Its Challenges”, Political Studies, Year 7, 25, [In Persian], At: https://journals.iau.ir/article_528991_d061873ec80dd4624754c7cb5cb908ef.pdf
 - Seif, Allah Murad (2012), “The conceptualization of economic soft power: development of conventional soft power theory in the field of economics”, Basij Strategic Studies, year 16, number 58, [In Persian], At: <https://ensani.ir/file/download/article/20170315101229-9959-39.pdf>
 - Shambaugh, David (July/August 2015), “China’s Soft-Power Push: The Search for Respect”, Foreign Affairs, Volume 94, Number 4, At: <https://www.foreignaffairs.com/articles/china/2015-06-16/chinas-soft-power-push>
 - Signh, M. (2014), “Chinese Policy in the Middle East in the Wake of the Arab Uprisings”, DOI:10.1057/9781137539793_11
 - Silver, Laura, Christine Huang and Laura Clancy (2023a), “Chinese soft power”, At: <https://www.pewresearch.org/global/2023/07/27/chinese-soft-power/>
 - Silver, Laura, Christine Huang and Laura Clancy (2023b), “China’s Approach to Foreign Policy Gets Largely Negative Reviews in 24-Country Survey”, At: https://www.pewresearch.org/global/wp-content/uploads/sites/2/2023/07/PG_2023.07.27_Vews-of-China_FINAL.pdf
 - Soleimani Pournalak, Fatemeh (2019), Soft Power in the US’s Middle Eastern Policy, Tehran: Research Institute of Strategic Studies
 - Song W, Ai W (2023), China’s Vision for a Future World Order and Its Implications for Global Governance. In: F Attinà, Y Feng (Eds.), China and World Politics in Transition: How China Transforms the World Political Order. Springer Nature, Cham
 - Sun, D. (2015), “China’s Soft Military Presence in the Middle East”, At: <https://www.mei.edu/publications/chinas-soft-military-presence-middle-east>
 - Whitney, Christopher and David Shambaugh (2009), Soft Power in Asia: Results of a 2008 International Survey of Public Opinion, At: https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2012/04/0617_east_asia_report.pdf
 - Yasushi Watanabe (2008b), Higher education, popular culture and soft power, translated by Mohsen Rouhani, Tehran: Imam Sadeq University [In Persian].
 - Zhiquan, Zhu (2013), China’s New Diplomacy: Rationale, Strategies and Significance, Routledge, At: <https://www.book2look.com/embed/9781351952064>